

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

شناخت و رشد آن از منظر ابن سینا و کانت (به انضمام آزادی انسان از منظر کانت)

تالیف : اسد محمد خٹاری

با همکاری

دکتر محمد مناف زاده (استاد راهنما) و دکتر مجید افسری (استاد مشاور)



سرشناسه	: غفاری ، اسلام .
عنوان و نام پدیدآور	: شناخت و رشد آن ازمنظر ابن سینا و کانت (به انضمام آزادی انسان از منظر کانت) / تألیف اسلام غفاری با همکاری محمد منافزاده ، مجید واحدی .
مشخصات نشر	: چارواپماق - مرکزی : اخلاق الهی ، ۱۳۹۸ .
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص
شابک	: 978-622-99794-1-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شناخت (فلسفه)
موضوع	: Knowledge, Theory of
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. — نقد و تفسیر
موضوع	: Kant, Immanuel, 1724 - 1804 -- Criticism and interpretation
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. — نقد و تفسیر
موضوع	: Avicenna-- Criticism and interpretation
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. — دیدگاه در باره شناخت (فلسفه)
موضوع	: Avicenna-- Views on theory of knowledge
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. — نظریه درباره شناخت (فلسفه)
موضوع	: Kant, Immanuel -- Views on theory of Knowledge
شناسه افزوده	: منافزاده، محمد
شناسه افزوده	: واحدی، مجید
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ش ۷ ص ۱۶۰
رده بندی دیویی	: ۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۳۳۴۱۰



شناخت و رشد آن ازمنظر ابن سینا و کانت (به انضمام آزادی انسان از منظر کانت)
 مؤلف : اسلام غفاری با همکاری دکتر محمد منافزاده (استاد راهنما) و دکتر مجید واحدی (استاد مشاور).

ناشر : اخلاق الهی (طراح جلد و صفحه آرایی: محمد حمزه)

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۸ (شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه - قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان)

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۹۴-۱-۹ ISBN : 978-622-99794-1-9 (چاپ و صحافی: امین)

نشانی : استان آذربایجان شرقی ، چارواپماق - مرکزی (قره آغاچ) ، خیابان بهشتی شمالی ، پایین تر از مسجد سید الشهداء علیه السلام ، انتشارات اخلاق الهی .

فهرست مطالب

ل

پیشگفتار

فصل ۱. آراء ابن سینا در خصوص شناخت و رشد آن

۱۹	۱-۱. مقدمه :
۲۱	۲-۱. شناخت از دیدگاه ابن سینا :
۲۶	۳-۱. عقل یا خرد و رابطه آن با آموزش و پرورش اسلامی :
۳۲	۴-۱. انسان :
۳۴	۵-۱. ویژگی های روانی و رفتاری انسان :
۳۹	۶-۱. نظر ابن سینا در مورد رشد شناختی :
۴۸	۷-۱. عقل فعال و اقیاء روح :
۶۱	۸-۱. نتیجه گیری :
۶۷	منابع :

فصل ۲. شناخت و رشد آن از منظر کانت

۷۰	۱-۲. مقدمه :
۷۳	۲-۲. شناخت از نظر کانت :
۷۶	۳-۲. انقلاب کپرنیکی کانت :
۷۷	۴-۲. نقد گرایی یا انتقاد گرایی :
۷۹	۵-۲. رشد شناختی از منظر کانت :
۸۳	۶-۲. ذهن انسان سه قوه دارد : حس و فهم و عقل :
۸۵	۷-۲. نقد گرایی، کانت :
۸۸	۸-۲. مراحل مختلف شناخت در فلسفه کانت بطور خلاصه عبارتند از :
۹۷	۹-۲. ایمان گرایی در طول تاریخ :
۱۰۰	۱۰-۲. مراحل تربیت از منظر کانت :

- ۱۱-۲. تربیت عملی شامل سه بخش است: ۱۰۳
- ۱۲-۲. نتیجه گیری: ۱۰۵
- ۱۳-۲. منابع: ۱۰۹

فصل ۳. آزادی انسان از منظر کانت

۱۱۲

- ۱-۳. مقدمه: ۱۱۲
- ۲-۳. انسان شناسی: ۱۱۴
- ۲-۳. انسان به عنوان شخص و به عنوان عالم صغیر: ۱۱۵
- ۴-۳. نظریه اخلاقی کانت: ۱۱۸
- ۳-۳. اصول اخلاقی و آزادی: ۱۲۳
- ۱-۳. وظایف اخلاقی نسبت به خود به قرار ذیل است: ۱۲۴
- ۷-۳. وظایف انسان نسبت به دیگران عبارتند از: ۱۲۴
- ۸-۳. اصول آزادی: «بصراط از منظر کانت عبارتند از: ۱۳۱
- ۹-۳. کانت سه قانون را برای توسعه تدریجی آزادی ارائه می دهد: ۱۳۱
- ۱۰-۳. اصول مربوط به تأدیب عبارتند از: ۱۳۸
- ۱۱-۳. نتیجه گیری: ۱۴۳
- ۱۲-۳. منابع: ۱۵۲

اهمیت تدبیر در قرآن : خداوند در سوره « ص » آیه ۲۹، وظیفه مسلمانان را در قبال قرآن چنین بیان می کند: « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » قرآن کتاب با برکتی است که آن را به سوی تو (ای پیامبر) فرستادیم تا (مردم) در آیات قرآن تدبیر کنند و برای خردمندان تذکر است.

تدبیر در لغت به معنای عاقبت اندیشی است، به عبارت دیگر به عواقب کار، دستورالعمل و یا حکایتی نگریستن و عبرت گرفتن است، و این بالاتر از تفکر است. برای معنای تدبیر در قرآن این است که خواننده آن هنگام تلاوت، به معنای آیات توجه کند، در آن تفکر نماید و پس از اندیشیدن، از معارف قرآن درس بگیرد و سرگذشت های آن برای او عبرت آموز باشد.

طبق فرمایش امام علی (ع): « أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ كَيْسٍ فِيهَا تَدَبُّرٌ... » بدانید قرائتی که همراه با تدبیر نباشد خری در آن نیست.

خداوند در قرآن سوره ماعده آیه ۲۴ می فرماید: « أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا » آیا آنها در قرآن تدبیر نمی کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است.

دل بستگی به دنیا و گناه، مانع توجه و تامل در قرآن و آیات الهی است. گناه قفل محکمی بر آئینه دل است، درست مانند درب های معمولی، که با قفل آن را می بندند. برای فهمیدن معانی قرآن، از سوی خدای ربانان، حجاب و مانعی نیست. باید آینه دل را از زنگار گناه پاک کرد، آنگاه می توان با نگاه کردن به قرآن، جمال دوست را در آن دید و به محض برخورد با قرآن و معانی آیات آن، قلب انسان جذب کلام خدا و پیام او می شود.

به زودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برا بدست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن باز می مانند)، پس به اندازه ای که ممکن است از آن تلاوت کنید. (مُزَمِّل، آیه ۲۰)

یکی از بستگان نزدیک امام خمینی قدس سره در زمینه قرائت قرآن ایشان نقل می کند: یک دفعه که با ایشان در نجف بودیم، چشمشان ناراحت شده بود. دکتر بعد از معاینه چشمشان گفت: « شما باید چند روز قرآن نخوانید و به چشمتان استراحت بدهید. » امام خندیدند و گفتند: دکتر! من چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم. چه فایده ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما یک کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم!

آیت الله ترسائی از نزدیکان حضرت امام رحمه الله علیه در زمینه قرائت مداوم و روزانه قرآن توسط امام خمینی رحمه الله می گوید: امام با همه اشتغالاتی که داشتند، به انجام مستحبات، به ویژه خواندن قرآن، دعا و نماز اول وقت، اهمیت می دادند. امام، هر روز، سه تا پنج مرتبه قرآن می خواندند. در ماه مبارک رمضان، سه بار قرآن را ختم می کردند.

امام باقر(ع) از رسول اکرم خدا نقل کرده است: « من قراء عشر آیات فی لیلہ لم یکتب من الغافلین » کسی که هر شب ده آیه قرآن بخواند از جمله بی خبران و اهل غفلت نوشته نخواهد شد.

غفلت، بیماری بشر امروز: بزرگترین بیماری بشر امروز، غفلت و بی خبری است. بشر امروز غافل از حکمت، آفرینش خود و هستی است. نمی داند برای چه به دنیا آمده است، در این دنیا چه وظیفه ای دارد و سرانجام به کجا خواهد رفت. انسانهای بی شماری از مبدأ هستی و روز واپسین یعنی رستاخیز عافل اند.

بیا حافظ به پند تلخ کن گوش چرا عمرت به غفلت می گذاری

یگانه نسخه درمان این بیماری، قرآن مجید است. سراسر این کتاب، بحث خدا، توحید و معاد است و بشر را به تفکر در مبدأ و معاد دعوت می کند. اگر کسی تنها

ده آیه از قرآن را با توجه به معانی آن بخواند و در آن تفکر کند هرگز جزو غافلان و انسانهای بی خبر نخواهد بود.^۶

حضرت علی (ع) می فرمایند: همانا انسان به شدت نیازمند به تربیت و اصلاح خویش است همان گونه که کشتزار تشنه باران است.

پیشگفتار

این اثر، که با رویکرد توصیفی - تحلیلی (تحلیل اسنادی) انجام شده است، محتوای تألیف نموده تا به شناخت و رشد آن، از منظر ابن سینا و کانت (و آزادان انسان از منظر کانت) دست یابد. باشد که مورد استفاده دستیاران کاران امر تعلیم و تربیت در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد و دست آورد های آن در نظام آموزشی کنونی به پیشرفت تعلیم و تربیت کمک کند.

شیخ الرئيس ابوعلی سینا^۷ ادراک را بر دو نوع حسی و عقلی می داند. ادراک حسی را بر دو نوع ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، بصرایی، لامسه) و باطنی (حس مشترک، خیال یا مصوره، متخیله، وهمیه و حافظه) می داند. ادراک عقلی را نیز بر

۶. (علامی، ۱۳۸۳)

۷. گاهی که مشغول مطالعه بود و به خواب می رفت، مسئله مورد مطالعه را در خواب به خاطر می آورد و به راه حل های آن آگاه می شد. ابن سینا می گوید این سلوک را ادامه دادم تا در همه علوم قدمی استوار یافتم و به اندازه توانایی بشری بر آنها چیره شدم. (یارعلی، ۱۳۸۶) هرگاه با معضلی علمی رو به رو می شد به مسجد می رفت و نماز می گذارد و از خداوند استمداد می طلبید تا مشکل بر او گشوده می شد. (طالب زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

دو نوع می داند (نفس ناطقه بشری، جوهری واحد که دو قوه مختلف است) عقل نظری (ادراک معانی و صور عقلی مجرد از ماده و کلی است که ایجاد ارتباط میان نفس و عقل مفارق (فعال) برای کسب علوم و حقایق) عقل عملی (توجه به امور صناعی و اخلاقی و تمیز خیر و شر و سود و زیان امور جزئی)، ابن سینا علاوه بر ذکر مراتب مختلف عقل نظری (چهار) مرحله عقل بالقوه، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد را با اتصال به عقل فعال (نور عقل فعال بر نفس^۸ می تابد یعنی تاثیر در نفوس و تخیلات بشر و آنها را به نور کامل یعنی عقل مستفاد^۹ می گرداند تا عقل قدسی شده و وحی و الهام را دریافت کند) پشت سر می گذارد و از عقل قدسی برخوردار می شود. او، اخذ وحی را به عقل قدسی نسبت می دهد و آن را به نوار^{۱۰}ی ترین درجه ای که برای عقل بشری قابل دستیابی است، توصیف می کند که نشان دهنده مراحل رشد شناختی انسان می باشد تربیت کودک را بر اساس مراحل رشد او استوار کرده و به طرح و تدوین مراحل رشد کودک (پیش از آموزش، آموزش ابتدایی (۶ تا ۱۴ سال)، آموزش حینه ای (از ۱۴ سال به بالا) کسب و اشتغال، ازدواج و تشکیل خانواده) پرداخته است و به این ترتیب چگونگی

^۸ ابن سینا قوت نفس انسان را منشأ کرامت ها و معجزات می داند. به عقیده ی او نفس آدمی به مرتبه ای می رسد که طبق قوانین و نوامیس جهان می تواند در آن تصرف کند، مثلاً وقتی انسان پاک دلی برای نزول باران دعا می کند اجابت دعای او حاصل اتصال دل او با مبادی هستی است. پیامبران نیز چنین اند. نفس قدسی و ملکوتی آنها به حدی با نظام جهان مرتبط است که بدون کتاب و معلم نسبت به اشیا علم پیدا می کنند در نفوس آدمیان تصرف کرده آنها را به سوی غایت هستی هدایت می نمایند.

ایجاد تفکر بزرگسالی را در کودک (چگونگی رشد تفکر در مراحل مختلف رشد و تربیت در دوران سنین کودکی ، نوجوانی و...) نشان می دهد.

کانت در جریان معرفت ، دخالت حس و عقل را لازم می شمارد به نظر او حواس ماده معرفت را در اختیار ما می گذارد. به عبارت دیگر از طریق حواس تاثیراتی (ماده معرفت) وارد ذهن می شود. بدون این تاثیرات مفاهیم ذهنی توخالی و بی ارزش می باشد. اما حواس جز تاثیرات مبهم ، نامربوط ، بی معنی و درهم چیزی در اختیار ما نمی گذارد. آنچه موضوع معرفت قرار می گیرد و ما را به جهان خارج آشنا می سازد همان عقل یا فعالیتهای عقلانی است. عقل ، تاثیرات حسی را با مفاهیم ذهنی مربوط می سازد و آنها را به صورتی خاص در ذهن مجسم می کند. فعالیت عقل موجب با معنی شدن و مفهوم پیدا کردن امور حسی می شود. کانت علاوه بر دخالت حس و عقل در جریان معرفت ، نیروی فوق عقل و حسی یعنی نیروی ایمان و وجدان (به مدد عشق وایمان قلبی وصفای باطنی) را نیز موثر میداند. از نظر کانت رشد شناختی انسان تا آنجاست که انسان به مقام کامل انسان یعنی موجبی آزاد و قنون گذار خود یعنی موجودی اخلاقی ارتقا یابد. بعلاوه رشد شناختی از عقل نظری یا مراتب آن یعنی حس، خیال (تصور) ، فهم (تصدیق) و عقل صورت میگیرد و بقیه امور، شناختنی را عقل عملی و وجدان اخلاقی میشناسد (این فیلسوف هستی خدا، جاودانی را در مسائل دینی دیگر از این دست را که در شمار حقایق و امور مطلق اند اخلاقاً پذیرفت و در یکی از دو کتاب معروف خود موسوم به «نقد عقل عملی»، در زمینه مسائل مابعد الطبیعی طریقی را در انداخت و متافیزیکی اخلاقی بنیاد نهاد) به خلاق بودن عقل نیز معتقد است (یعنی در نظر کانت عمل ذهن تنها اخذ محسوسات نیست؛ بلکه کار اصلی آن تبدیل محسوسات به مدرکات است. زیرا ذهن فعال انسان چنان بر دریافت و ادراکات تأثیر می گذارد و آنها را دگرگون می کند و در قالبهای ویژه ای می ریزد که گویی چیزی جز تصورات و ادراکات ذهنی او نیست) در زمینه مراحل تربیت کودک (تربیت جسمانی، ذهنی و اخلاقی) که منجر به رشد شناختی میشود مباحثی را مطرح نموده و به این ترتیب چگونگی ایجاد تفکر بزرگسالی را در کودک نشان می دهد (رشد شناختی از منظر کانت هم مراتب مختلف

عقل نظری (حس، خیال، فهم و عقل) و هم عقل عملی (ایمان و اخلاق و صفای دل) و هم مراتب تربیت کودک را شامل می شود.

به نظر کانت انسان دارای گرایشات نیک و بد است. کانت منشأ شر را آزادی می داند ولی آزادی به معنای اختیار نیک و بد است. لذا او انسان را به عنوان موجودی که در اصل فقط شرور است نمی شناسد و همین طور او انسان را موجودی نمی داند که در اصل نیک است. آزادی انسان منشأ شرارت است ولی برای رشد خرد انسان ضروری است. مسئولیت اخلاقی و توسعه فرهنگی تنها بر مبنای آزادی اراده انسان میسر است. (انسان چون آزاد است می تواند به طرق مختلف تربیت یابد. از سوی دیگر چون آزاد است، رفتار او به درستی قابل پیش بینی نیست بی جهت نیست که کانت تعلیم و تربیت را مهمترین مشکل ترین مساله می داند. گرچه به جهت آزادی انسان، تعلیم و تربیت کاری بس دشوار است اما آزادی زمینه ای فراهم می آورد تا انسان خود به تربیت خویش مبادرت ورزد) انسان فاقد اراده آزاد بود از مسئولیت اخلاقی مبرا بود ولی چون مسئولیت اخلاقی وجود دارد، اخلاقی حکم می کند که انسان این وظیفه را به عهده گیرد، پس او توانایی یا آزادی انجام آن را دارد. (انسان موجودی نیست که مانند خداوند نامحدود و مطلق باشد، یعنی به اشیاء وابسته نباشد و در نتیجه بطور ذاتی نیک باشد. بلکه او موجودی است که برخلاف خداوند وابسته به اشیاء محسوس است. بنابراین او باید بکوشد انسانی نیک گردد. بدین سطر او باید از حواس روی برگرداند و تنها مطیع قانون اخلاقی گردد) بنابراین باید به اراده خردی خود شکل قانونی بدهد تا اراده او از شکل فردی خارج شده و به صورت کلی درآید که برای همه کس در هر مکان و زمانی اعتبار دارد. قاعده اول اخلاقی: «چنان عمل کن که بتوانی قریل کنی که همه کس در همه وقت و همه جا بدان گونه عمل کنند.» یعنی عملی اخلاقی است که انجام دهنده آن بپذیرد همه مردم به شیوه او عمل کنند. قاعده دوم: «چنان عمل کن که انسانها (خودت و اشخاص دیگر) هدف باشند نه وسیله.» زیرا انسان وسیله نیست، بلکه غایت و هدف است. بدیهی است که انسان را هدف انگاشتن و براین مبنا عمل کردن، عین نیکی و خیر است. کانت در مورد اهمیت تکلیف می گوید: «من خواب می دیدم و می پنداشتم زندگانی تمتع است. چون برخاستم دیدم تکلیف است»

منظور کانت از تمتع و لذت جویی، قسمت پست و ابتدایی میل به نام غریزه و یا تحریکات و یا فقط صرف میل است و نه قسمت عالی میل که آن را با عقل محض یکی دانسته و به صورت اراده تلقی کرده است. این اراده اساس آن نوع عمل است که صفت متمیزه آن، اختیار مستقل و آزاد است و همین را کانت عقل محض عملی نامیده است. انسان خود را ملزم به انجام دادن تکلیف اخلاقی می بیند، و آن کس که سر از فرمان خرد باز پیچد و تکلیف را انجام ندهد، در مقابل وجدان خود مسئول است و مورد سرزنش وجدان^۹ قرار می گیرد. (این نیروی مرموز ((وجدان یعنی پلیس مخفی وجود انسانی)) هم انسان را به سوی کارهای مفید و اخلاقی می کشاند و هم از اعمال زشت و ناسنجار باز می دارد و همواره با نداها و سرزنشها و شکنجه های خود نظارت بر انسان دارد تا آدمی از سده مستقیم دور نشود) بنابراین به حکم مسئولیتی که انسان دارد باید آزاد باشد تا براند آزاده به نیکی روی آورد و از بدی بپرهیزد. (تلازم اختیار و آزادی با اخلاق و نیکی) نظر کانت، انسان نه یک سره آزاد است و نه کاملاً مجبور. آدمی تا آنجا که به فرمان خرد دگ دن می نهد آزاد است (آزادی اصیل، آزادی اندیشه و خرد است و با انسانیت انسان در ارتباط است) و آنگاه که تحت تاثیر طبیعت خویش قرار می گیرد، اسیر خوی حیوانی خود می گردد و بنده هواهای نفسانی خویش می شود (آزادی کاذب، آزادی تمایلات و شهوات است و به حوزه عواطف و به حیوانیت انسان مربوط می شود^{۱۰}). خلاصه آنکه هر قدر انسان بیشتر از دستورات عقل پیروی کند و بر هوسها و شهوات خود غلبه بیشتری یابد آزادتر خواهد بود.

^۹ کانت این عبارت را که در پایان یکی از کتابهایش نوشته است بر مزار او کتیبه کردند: «دو چیز روح را به اعجاب می آورد و هرچه اندیشه و تأمل بیش کنی اعجاب و احترام نسبت به آن دو چیز، همواره تازه و افزون می شود، یکی آسمان پرستاره که بالای سر ما جای دارد و دیگر قانون اخلاقی که در دل ما نهاده شده است»

^{۱۰} - کسانی که شهوت و غضب بر آنها غلبه دارد و اعمال آنها پیوسته از این دو غریزه بر می خیزند، صورت اخروی آنها، حیوان و درندگی است و اگر مکر و حيله در کارهای انسان باشد، صورت اخروی او شیطان است و اگر اخلاق پسندیده در نفس او رسوخ کند، به صورتهای زیبای بهشتی تمایل می یابد. (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹) حضرت علی(ع) می فرماید: «غضب باعث فساد عقول و دوری از صواب می شود» و همچنین می فرماید: کسی که عقلش کامل شود، شهوات را حقیر می شمارد». (بزوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، ص ۸۵)